

بررسی امکان نقش و تأثیر شیطان در بیماری‌های جسمی انسان با تکیه بر آیه ۴۱ ص

* سید سعید میری

چکیده

موضوع این جستار، بررسی مسئله امکان نقش و تأثیر شیطان در بیماری‌های جسمی انسان با تکیه بر آیه ۴۱ سوره ص و روایات مرتبط است. هدف، یافتن پاسخ به این پرسش است که آیا شیطان در گرفتاری‌های مختلف حضرت ایوب ع بهویژه بیماری‌های جسمی او و بهتبع آن سایر انسان‌ها نقشی داشته و اگر چنین است، ساز و کارش چگونه است؟ از جمله یافته‌های این پژوهش یکی اینکه تأثیر شیطان از طریق انگیزش هیجانات روانی و وسوسه انسان به انجام افعالی که نتیجه قطعی آن بیماری‌های جسمانی است، مسلم است؛ دیگر اینکه دایره مفهوم و مصدق شیطان یا شیاطین در زبان آیات و بهویژه روایات فراتر از الیس جنی است و شامل شیاطین انسی و موجودات موذی و تهدیدکننده سلامت انسان مثل انواع میکروب‌ها نیز می‌شود.

وازگان کلیدی

آیه ۴۱ ص، تأثیر شیطان، بیماری جسمانی، حضرت ایوب ع.

miri@bkatu.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۹

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی خاتم الانبیاء ع بهبهان.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

طرح مسئله

نقش سلامت جسمی در خوشبختی انسان بی نیاز از توصیف است. براساس آموزه‌های وحیانی، در عالم حقیقتی به نام شیطان وجود دارد. از نظر آموزه‌های قرآنی در این که شیطان عامل اصلی گمراهی و بدبختی انسان و بیماری‌های فکری، اعتقادی، روحی، روانی و اخلاقی اوست، تردیدی وجود ندارد؛ (فاطر / ۲۱؛ نور / ۶۴؛ اسراء / ۲۱) اما در باب نقش شیطان در بیماری‌های جسمانی انسان قول واحدی وجود ندارد.

در باب پیشینه بحث باید گفت، در برخی آیات قرآن به گرفتاری‌های حضرت ایوب عليه السلام به برخی مشکلات اشاره شده؛ از جمله:

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَيْ رَبَّهُ أَلَّيْ مَسَنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (انبیاء / ۸۳)

و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت): بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو مهربانترین مهربانانی.

در جایی دیگر از قول حضرت ایوب عليه السلام مشکلات پیشآمده به شیطان نسبت داده شده که برخی مفسران گفته‌اند منظور از آن نقش شیطان در بیماری جسمانی حضرت ایوب عليه السلام است:

وَإِذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَيْ رَبَّهُ أَلَّيْ مَسَنِيَ الشَّيْطَانُ يُنْصِبُ وَعَذَابٌ. (ص / ۴۱)

و به خاطر بیاور بندۀ ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگار!!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکنده است.

گفته شده منظور از «ضر»، بدخلی است؛ چه در نفس به خاطر کمی علم، فضل و عفت و چه در بدن، به خاطر جراحت و نقص و چه در حالات ظاهری مثل کمی مال و جاه؛ و در مورد ایوب هر سه معنا محتمل است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۳ / ۱۰۶؛ مقاتل بن سليمان، ۱۴۲۳: ۳ / ۶۴۷) تقریباً «نصب و عذاب» تفسیر شده است. در اینکه منظور از «نصب» و «عذاب» در این آیه چه چیزی است، گفته شده: منظور از نصب، «بیماری بدنی و جسمی و رنج» و منظور از عذاب، «از بین رفتن مال و دارایی» حضرت ایوب عليه السلام است. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۳ / ۱۰۶؛ مقاتل بن سليمان، ۱۴۲۳: ۳ / ۶۴۷) تقریباً غالب مفسران، «نصب» را به معنای بیماری جسمانی دانسته‌اند که به قول برخی از آنها به استناد برخی روایات در اثر مباشرت مستقیم شیطان و از طریق دمیدن در جسم (در منافذ سر و یا زیر دو پای حضرت ایوب عليه السلام) او را بیمار ساخت (ابن‌الحاتم، ۱۴۱۹: ۱۰؛ طبرانی، ۳۲۴۵: ۱۰؛ طبرانی، ۳۵۲: ۵؛ ۲۰۰۸: ۶؛ ۱۴۲۰: ۳۰) و گفته‌اند این برخی نیز هر دو کلمه را راجع به بدن دانسته‌اند (صدقیق حسن‌خان، ۱۴۲۰: ۶ / ۳۰) و گفته‌اند این

بیماری که مصادیق متعددی برای آن بیان شده، از جذام و برص گرفته تا روان شدن خون سیاه، خونابه چرکین و کرمزدگی، هفت تا هیجده سال او را آزار می‌داد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲ / ۴: ۵۰۷؛ مبیدی، ۱۳۷۱: ۸ / ۳۵۴؛ رسعنی، ۱۴۲۹: ۶ / ۵۰۰) پیشینیان از مفسران - به جز زمخشری در تفسیر کشاف - تا حدوداً قرن ششم نوعاً چنین پرسش و تحلیلی را حول روایات نقل شده در تفسیر آیه بیان نکرده‌اند. آنان فقط به نقل روایت پیش‌گفته با مضمون واحد و نفوذ جسمانی شیطان اشاره کرده و در این باب اظهارنظری نکرده‌اند. اما از قرن ششم و هفتم به بعد مسئله امکان نفوذ مادی و فعلی شیطان در وجود انسان و از جمله بیماری‌های جسمانی در تفاسیر قرآن، پیرامون داستان حضرت ایوب ﷺ توسط مفسرانی از جمله فخر رازی به شکلی پررنگ‌تر مطرح شد. حال سؤال اصلی این است که آیا شیطان این توانایی را دارد که بتواند تن انسان را بیمار کند؟

بررسی مسئله امکان نفوذ شیطان در جسم انسان

برخی از مفسران با استناد به آیه مورد بحث و تمرکز بر واژه «نصب» گفته‌اند که چنین چیزی امکان‌پذیر است: (ظاهراً مراد از «مس شیطان به نصب و عذاب» این است که: می‌خواهد «نصب» و «عذاب» را به نحوی از سببیت و تأثیر به شیطان نسبت دهد و بگوید که شیطان در این گرفتاری‌های من مؤثر بوده است. همین معنا از روایات نیز بر می‌آید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۱۷) در اینجا سؤال است که با وجود محرز بودن نقش علل و عوامل طبیعی در بیماری‌های جسمانی انسان و ثبوت علمی آن، چگونه در این آیه بیماری انسان به شیطان نیز نسبت داده شده است؟

۱. طرح و دفع سه شبهه

در پاسخ به شبهه «استناد هم‌زمان بیماری و عذاب به شیطان و علل طبیعی توأمان آن» گفته شده: «این دو سبب؛ یعنی شیطان و عوامل طبیعی، دو سبب در عرض هم نیستند، تا در یک مسبب جمع نشوند و نتوان مرض را به هر دو نسبت داد، بلکه دو سبب طولی‌اند.^۱ (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۱۷)

(الف) در پاسخ به این شبهه که «اگر چنین استنادی (نسبت بیماری به شیطان) ممکن هم باشد، اما صرف امکان، دلیل بر وقوع آن نمی‌شود؛ از کجا دانسته می‌شود که شیطان قدرت چنین تأثیری در انسان‌ها دارد که هر کس را بخواهد، بیمار کند؟»، گفته شده: نه تنها دلیلی بر امتناع آن وجود

۱. توضیح این مسئله در تفسیر آیه «وَلُوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرْيَ آمَّوْا وَأَفْقَوْا أَفَقَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ...» (اعراف / ۹۶) در تفسیر المیزان / ۸ / ۲۰۱ طباطبایی، ۱۳۷۴: بیان شده است.

ندارد، بلکه آیه شریفه «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَبَيْوُهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».^۱ (مائده / ۹۰)

دلیل بر وقوع آن است؛ برای اینکه در این آیه، شراب، قمار، بتها و ازلام را به شیطان نسبت داده و آن را عمل شیطان خوانده و نیز از حضرت موسی ﷺ حکایت کرده که بعد از کشتن آن مرد قبطی گفته: «... هذا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ». (قصص / ۱۵) که در تفسیرش بیان شد که واژه «هذا» اشاره به مقاتله آن دو دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۳۱۷)

(ب) شبهه سوم، استدلال زمخشری در تفسیر کشاف است که چنین نوشته است:

به هیچ وجه نمی‌توان این وجه را پذیرفت که خدا شیطان را بر انبیاء خود مسلط کند تا هر گونه بخواهد آن حضرات را آزار دهد و دچار عذاب نماید، زیرا اگر این کار نسبت به انبیاء جایز باشد، نسبت به پیروان انبیاء؛ یعنی مردم صالح نیز (به طریق اولی) ممکن است، آن گاه آن کسی که از درگاه خدا رانده شده (شیطان) هیچ مؤمن صالحی را از این انتقام سالم نمی‌گذارد و همه را بیچاره و هلاک می‌کند با اینکه در قرآن کریم مکرر آمده، که شیطان به غیر از وسوسه، هیچ دخالت و تأثیر دیگری ندارد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۹۷)

صاحب المیزان این شبهه را نیز وارد ندانسته؛ زیرا از نظر وی گرچه عصمت انبیاء مانع از تصرف شیطان در دل‌های آنان می‌گردد، اما مانع تأثیرگذاری بر ابدان، اموال و اولاد آنها نیست. نه تنها هیچ دلیلی بر امتناع آن در دست نیست، بلکه دلیل بر امکان وقوع آن نیز وجود دارد، و آن آیه شریفه «فَإِنَّمَا نَسِيَتُ الْحُوتَ وَ مَا أُنسَانِيَ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ؛ مِنْ (در آنجا) فراموش کردم جریان ماهی را بازگو کنم و فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برداشت!» (کهف / ۶۳) است که راجع به داستان مسافت حضرت موسی ﷺ با همسفرش حضرت یوشع ﷺ است که به موسی ﷺ چنین گفت: «اگر ماهی را فراموش کردم، این فراموشی کار شیطان بود، او بود که نگذاشت من به یاد ماهی بیفتم». پس، از این آیه قابل برداشت است که شیطان چنین دخل و تصرف‌هایی را در دل‌های معصومان ﷺ دارد.

ج) این شبهه که اگر شیطان بتواند بر انبیاء معصوم ﷺ تأثیر گذارد، طبیعتاً فرزندان و پیروان انبیاء در مقابل شیطان آسیب‌پذیرترند، پس همه در مقابل شیطان شکست خواهند خورد، نیز وارد نیست؛

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!

زیرا تصرفات شیطان در دل‌های انبیاء و غیر آنها به اذن خداست و بسا مداخله شیطان مطابق مصلحت الهی است، مانند آنکه خدا بخواهد میزان را صبر بندهاش معین نماید. لازمه این حرف آن نیست که شیطان بدون مشیت و اذن خدا هر چه دلش بخواهد انجام دهد. و هر بلایی که خواست، بر سر بندگان خدا درآورد، و این امری روشن است. (طباطبایی، ۳۱۸ / ۱۷ - ۱۳۷۴)

ازین رو می‌توان گفت با توجه به اینکه سلطه احتمالی شیطان بر جسم و روان حضرت ایوب ﷺ، اولاً به فرمان خدا بوده، ثانیاً محدود و موقتی بوده و ثالثاً برای آزمایش این پیامبر بزرگ و ترفیع درجه او صورت گرفته، پس مشکلی ایجاد نمی‌کند. (مکارم شیرازی، ۲۹۵ / ۱۹ - ۱۳۷۱)

۲. دیدگاه مخالفان

در جبهه‌ای دیگر برخی منکر نقش و توانایی شیطان در بیماری‌های جسمانی انسان شده، گفته‌اند مراد از «نصب و عذاب» در این آیه، گرفتاری، حزن و اندوه‌هایی بود که در اثر وسوسه شیطان در بزرگنمایی بلا، تحریک حضرت ایوب ﷺ به جزء و فزع و نامیدی از رحمت الهی پدید آمده بود. (واحدی، ۱۴۱۵ / ۳ - ۱۰۳) به علاوه این دسته از مفسران به رغم ظاهر آیه در «اسناد مس نصب و عذاب حضرت ایوب ﷺ به شیطان» در توجیه سبیت شیطان در «نصب و عذاب» به استناد برخی روایات، گمانه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند که بیشتر ناظر به این است که «باء» در «بنصب» باء تعدیه بوده یا اینکه باء، حرف آلت است؛ از قبیل «ضرَبَهُ يَالْعَصَمَ» یا اینکه نصب و عذاب را از باب اعطی به معنای مفعول دوم تلقی کرده‌اند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ / ۲۳ - ۱۶۳) برخی نیز باء را سببیه دانسته؛ به این معنا که این حرف، نصب و عذاب را دو مسبب برای مس حضرت ایوب ﷺ توسط شیطان قرار داده است؛ یعنی شیطان مرا به وسوسی مس کرده که سبب آن نصب و عذاب بوده است. برخی نیز حرف باء را از نوع «مصاحبه» تلقی کرده‌اند؛ به این معنا که شیطان مرا به وسوسه‌ای مس کرده که مصاحب و همراه ضرّ و عذاب بوده است. (همان، ۱۶۳ / ۲۳) پس در سخن حضرت ایوب ﷺ «أَيَ مَسَّنِي الشَّيْطَانُ...» کنایه لطیفی از طلب لطف خداوند بدین وسیله، برای رفع نصب و عذاب از خود است؛ زیرا آن دو به منزله راههای نفوذ شیطان در نفس وی بوده که از خداوند در خواست عصمت از آنها را نموده بود؛ مانند قول حضرت یوسف ﷺ که گفت:

وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ (یوسف / ۳۳)
و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از
جاهلان خواهم بود!

تقویت در نصب و عذاب یا برای تعظیم امر یا برای بیان نوع فعل است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۱۶۳) برخی نیز گفته‌اند این گونه استناد از باب ادب و حیاء بوده و برای پرهیز از نسبت بد دادن به خدای متعال بوده است. (سلطان‌علی شاه، ۱۴۰۸: ۳ / ۳۱۰)

دلایل موافقان

معتقدان به توانایی شیطان در ایجاد بیماری جسمانی برای انسان به دلایل زیر استناد جسته‌اند:

۱. تصریح آیه به «اضافه فعل بیماری و عذاب به شیطان»؛ اگر گفته شود شیطان در بیماری و عذاب حضرت ایوب نقشی نداشته، این سؤال پیش می‌آید، پس ذکر شیطان در آیه با تصریح به نقش او در فعل موردنظر چه فایده‌ای داشته است؟ (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۷)؛ ناگزیر باید به نقش شیطان در بیماری و آلام حضرت ایوب اعتراف کرد. از سوی دیگر کلمه «نصب» ظهور غالب در هر نوع بیماری و ناخوشی دارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۷۵۸) و منحصر به بیماری‌های اعتقادی و روانی نیست.

۲. دلالت صریح روایات بیمار شدن حضرت ایوب توسط شیطان (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۷)؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۵ / ۲۰۸؛ مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳: ۳ / ۶۴۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۱، ۵)؛ ۳. روایات متعدد ناظر به امکان آسیب‌دیدگی انسان از ناحیه شیاطین جنی (مفید، بی‌تا: ۱ / ۳۴۰)؛ ۴. توعیدات دینی سفارش شده در باب جلوگیری از آسیب‌رسانی شیاطین به انسان‌ها، مانند نقش قرائت دو سوره ناس و فلق در سلامت انسان (بحرانی، ۱۴۱۵: ۵ / ۸۱۷؛ صدوق، ۱۴۰۶: ۱۲۰)؛

دلایل مخالفان

مخالفان نظریه توانایی شیطان در آسیب‌رساندن به جسم انسان دلایلی ارائه کرده‌اند؛ از جمله:

۱. ظهور برخی آیات قرآن در عدم توانایی شیطان برای سلطه بر انسان؛ قرآن کریم از شیطان حکایت می‌کند که او به جز وسوسه، سلطه‌ای بر انسان ندارد (ابراهیم / ۲۲) و نیز: (حجر / ۴۲؛ نحل / ۹۹؛ اسراء / ۶۵) بنابراین آلام و بیماری‌های [جسمانی] اشاره شده در آیه مورد بحث، به فعل الهی حاصل شده و وساوس و خواطر فاسد به فعل شیطان حاصل شده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۶) ۲. در صورت پذیرش اینکه موت و حیات و سلامت و بیماری می‌تواند از فعل شیطان باشد، پس چه بسا ممکن است یکی از ما حیات خود را از فعل شیطان یافته باشد؛ در این صورت، لازم می‌آید که تمام خوبی‌ها و نیکی‌های انجام شده در واقع به فعل شیطان حاصل شده باشد؛ که در آن

صورت ما راهی به شناخت این حقیقت که اعطاء‌کننده موت و حیات و سلامت و بیماری خدای تعالی است، نداریم. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۷)

۳. اگر شیطان دارای چنین توانایی‌هایی بود، قاعده‌تاً شیطان می‌باشد انبیاء، صالحین و همه کسانی که به نوعی دشمن سرسخت او هستند را با استفاده از این قدرت از پای در می‌آورد؛ حال آنکه چنین امری سخیف و این موضوع باطل و ساختگی است چنین چیزی در تاریخ دیده و گزارش نشده است. (علم الهدی، ۱۴۳۱: ۳ / ۲۷۳)

۴. برخی از بیماری‌های نسبت داده شده به حضرت ایوب ع، نفرت‌آور است و باعث رویگردانی مردم از فرستاده خدا می‌شود و این با عقل و حکمت ارسال رسالت سازگار است. (طبرسی، ۸: ۱۴۰۰؛ ۷۴۵) علم الهدی، ۱۴۳۱: ۳ / ۲۷۴) افزون بر اینکه گفته شده تمام روایات ناظر به بیماری‌های نفرت‌زای منسوب به حضرت ایوب ع از سنخ اسرائیلیات متناقض عهد قدیم بوده و با قاطعیت رد شده است. (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۲۵ / ۲۵۸؛ مغنية، ۱۴۲۴: ۶ / ۳۸۱؛ سید قطب، ۱۴۲۵: ۵ / ۳۰۲۱) و بر این ادعا مستندات روایی نیز ارائه کرده‌اند. (صدوقد، ۱۳۸۹: ۲ / ۴۰۰ – ۴۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲ / ۳۴۸)

بنابراین، آنچه که برخی از تفاسیر نسبت به نفرت‌آور بودن بیماری‌های آن حضرت نقل کرده‌اند، باطل است و ساحت نبوت از آن منزه می‌باشد؛ زیرا وجود موجبات نفرت مردم در انبیاء، منافی و نقض غرض بعثت است. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱ / ۲۰۰)

۵. شر نمی‌تواند مخلوق خدا باشد؛ همان‌گونه که در مناجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آله و سلم آمده: «وَالْخَيْرُ فِي يَدِكِ وَالشَّرُّ لَا يَلِيكُ؛ [خدایا] خیر در دستان توست و شر از ناحیه تو نیست». (قرطی، ۱۵: ۱۳۶۴ / ۱۵ / ۲۱۰)

۶. نسبت فعل بد به شیطان و نه به خدا، برای رعایت ادب در مقابل خداوند بوده و گرنه همه چیز [حتی بیماری هم] از ناحیه خداست؛ (محلى، ۱۴۱۶: ۴۵۸) یعنی این اسناد، اسناد مجازی از باب اسناد به سبب است. (قونوی، ۱۴۲۲: ۱۶ / ۴۲۱) در حقیقت در این اسناد فقط آنچه از جنس کمال است به خدای تعالی نسبت داده شده و حال آنکه در حقیقت همه اینها از ناحیه خداوند پدید می‌آید. از طرفی حضرت ایوب ع گرفتاری‌هایش را در پیشگاه خدا با این زبان بیان کرده تا در مقابل او شیکوه به حساب نیاید.

برخی نیز گفته‌اند اسناد بیماری به شیطان به علت آن است که شیطان بیماری حضرت ایوب ع را از خدا درخواست کرده بود که در این اسناد مراعات ادب شده است. (بروسوی، بی‌تا: ۸ / ۴۰)

۷. ممکن است گفته شود اگر شیطان چنین توانایی داشته باشد، با عدل الهی ناسازگار است؛ زیرا آزاد گذاشتن شیطان، سرسخت‌ترین دشمن انسان ضعیف (روم / ۵۴) با عدل و حکمت خدا سازگاری ندارد.

تحلیل و نقد ادله موافقان و مخالفان

به نظر می‌رسد گرچه جهاتی از ادعای مخالفان صحیح می‌باشد، اما از جهاتی نیز قابل نقد است:

۱. در اینکه کار اصلی شیطان، اخلاص اخلاقی، فکری و عقیدتی انسان است، بحثی نیست، اما باید دقت کرد بحث از سلطه مشروط و محدود شیطان بر انسان با توجه به سیاق آیات مزبور، سلطه اخلاقی، فکری، خیالی و روانی اوست، اما این مسئله با تسلط شیطان بر بعد جسمانی انسان در برخی شرایط منافاتی ندارد تا گفته شود، شیطان نمی‌تواند بر جسم انسان اثر بگذارد. بهویژه اینکه از دقت در استثناء ذکر شده در آیه، عدم سلطه، ناظر به عدم انحراف و تباہی مؤمنان راستین است و بحثی از سلامت جسمانی انسان مطرح نیست؛ به عبارتی مدار بحث آیات مورد نظر، کمیت و کیفیت نقش شیطان در انحراف فکری، عقیدتی و اخلاقی انسان است، نه بیماری جسمانی. حتی برخی مخالفان تسلط جسمانی - و نه عقلانی - شیطان نیز، اصل امکان تأثیرگذاری جسمانی شیطان بر مؤمنان را به اراده خدا و برای امتحان مؤمنان ناممکن ندانسته‌اند. همان‌گونه که در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز به آن اشاره شده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزُّوجَلَّ يَبْتَلِي الْمُؤْمِنَ بِكُلِّ بَلَيْهِ وَ لِيُمْسِيْهِ بِكُلِّ مَيْنَهِ وَ لَا يَبْتَلِي بِذَهَابِ عَقْلِهِ، أَمَّا تَرِي
أَيُّوبَ كَيْفَ سَلَطَ إِبْلِيسَ عَلَيَّ مَالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ عَلَيَّ كُلُّ شَيْءٍ مِّنْهُ وَ لَمْ يُسْلِطْ عَلَيَّ عَقْلِهِ،
تَرَكَ لِي يَوْجِدَ اللَّهَ بِهِ؛

خدای عزوجل مؤمن را به هر بلای مبتلا می‌سازد و به هر نوع مرگی می‌میراند، اما او را مبتلا به زوال عقل نمی‌کند؛ مگر نمی‌بینی خداوند چگونه ابليس را بر مال و فرزند اهل حضرت ایوب علیه السلام و همه چیز او مسلط ساخت، ولی بر عقلش مسلط نساخت؟ عقلش را برای او باقی گذاشت تا خدا را به واسطه آن به وحدانیت بستاید.

(مدرسى، ۱۴۱۹: ۳۷۰ / ۱۱)

۲. واژه «شیطان» از ماده «شیطان» گرفته شده، و «شاطئ» به معنای «خبیث و پست» است. شیطان مفهومی عام است و می‌تواند افزون بر «ابليس» - که اسمی خاص است - شامل هر موجود سرکش و متمرد اعم از انسان و یا جن و حیوانات و جنبندگان دیگر نیز بشود، و معنای روح شریر و دور از حق نیز از موارد استعمال این واژه در قرآن است که از آن استفاده می‌شود شیطان به موجود موذی و مضر گفته می‌شود، موجودی که از راه راست برکنار بوده و در صدد آزار دیگران است.

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ / ۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۲۷۲)

این گستره مفهومی از دیرباز در میان لغویان مصطلح بوده است؛ به عنوان نمونه «ترکیب سگ

شیطانی» در بیت زیر در کتاب *العین از همین قبیل آمده است:*

و في أخا ديد السياط المشن شاف لبغي الكلب المُشَيْطِن
(فراهیدی، ۱۴۰۹ / ۶: ۲۳۶)

درمان ستمکاری سگ شیطان [صفت] در لایه‌های تیز تازیانه است.

با این مقدمه چه بسا بتوان گفت موجودات ریز میکروسکوپی که دانش امروز بشر آن را با عنوان میکروب و ویروس می‌شناسد، خود از جنود ابلیس و شیاطین باشند. در قرآن و روایات بر مفهوم عام جنود ابلیس تأکید شده است.

تفسیر المثار پا را از این ادعا که «میکروب از جنود ابلیس است» فراتر گذاشته و میکروب را

نوعی شیطان جنی دانسته است (رشید رضا، ۱۴۱۴ / ۳: ۹۶)

در برخی روایات نیز صرف نظر از قوت یا ضعف اسناد آنها، از شیاطینی یادشده که از طریق خون

وارد بدن می‌شوند. (فضل الله، ۱۴۱۹ / ۱۹: ۲۶۷)

فراتر از اینها گاهی در روایات متعدد، کلمه شیطان به صراحت بر موجوداتی نیز اطلاق شده که از

نظر مسلمات علمی امروز مصدق بارز آن «میکروب» می‌باشد؛ از جمله:

از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده:

زباله‌ها را شب در خانه‌های خود نگه ندارید؛ زیرا زباله جایگاه شیطان است. (صدقه،

۵ / ۴: ۱۴۱۳)

میادا کسی از شما موهای زیر بغل خود را بلند بگذارد! زیرا شیطان آن را مخفیگاه

خود می‌گیرد و در آن پنهان می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ / ۶: ۵۰۷)

ریشهای خود را شانه کنید و ناخن‌های خود را کوتاه سازید! زیرا شیطان میان

گوشت و ناخن روان است. (پاینده، ۱۳۸۲ / ۴۶۰)

موهای شارب (سبیل) خویش را بلند مگذارید! زیرا شیطان آن را محیطی امن برای

زندگی خویش قرار می‌دهد و در آنجا پنهان می‌گردد! (صدقه، ۱۳۸۰ / ۲: ۶۵۷)

درهای منازل خود را بیندید! سر ظرف‌های خود را سرپوش نهید و بند مشک‌های

آب خود را محکم بیندید که شیطان روپوش را بر نمی‌دارد و (مجلسی، ۱۴۰۳ /

۱۷۷ / ۷۳)

خانه شیطان در خانه‌های شما، خانه عنکبوت است. (کلینی، ۱۴۰۷ / ۶: ۵۳۲)

از حضرت علی ؑ نقل شده که فرمود:

از قسمت شکسته و طرف دستگیره ظرف، آب نخورید؛ زیرا شیطان روی دستگیره و قسمت شکسته شده ظرف می‌نشیند. (کلینی، ۱۴۲۹ / ۱۲ : ۶۳۹)

بنابراین، با دقت در مفاد و مدلول این گونه روایات که تماماً توجیه‌پذیر و بلکه گویا هستند، یکی از معانی شیطان یا دست کم جنود ابليس، می‌تواند میکروب‌های زیان‌بخش باشد. امروزه از نظر علمی نقش میکروب‌های مختلف در تهدید سلامت انسان کاملاً روشن است.

حال اگر پذیرفتیم که میکروب از مصاديق شیطان و از جنود ابليس است، می‌توان احتمال داد که ابليس از طریق میکروب، حضرت ایوب عليه السلام را بیمار کرده است و قاعده‌تاً چنین امکانی نسبت به سایر انسان‌ها نیز محتمل است.

با این نگاه به مقوله شیطان، اولاً: بحث‌ها و مسائل نوپدیدی در آفاق علوم دینی و از جمله اخلاق حادث خواهد شد که می‌تواند برخی از مبانی اعتقادی و اخلاقی و حتی حوزه احکام اسلامی را وارد فضایی جدید و متفاوت نماید.

ثانیاً: در چنین صورتی شاید بتوان به کمک این دسته از کشفیات جدید (حوزه ناقل‌های عصبی) در درمان بسیاری از ردائل و پرورش ملکات اخلاقی به کمک دارو و درمان‌های پزشکی، گام‌های بلندی برداشت.

به‌نظر می‌رسد اساساً در خلال گذر زمان و پیشرفت‌های علمی و معرفتی خیره‌کننده، لازم است تعاریف برخی اصطلاحات دینی ضمن رعایت اصول موضوعه آن علم و پرهیز از تفسیر به رأی مورد بازبینی قرار گیرد؛ از جمله این اصطلاحات می‌توان از واژه «عذاب الهی» نام برد. (میری، ۱۳۹۴: ۳۵)

۳. سومین دلیل مخالفان که گفته‌اند «قدرت نفوذ شیطان در جسم انسان با عدالت و حکمت خدا سازگار نیست»، در صورتی درست خواهد بود که انسان قادر تجهیزات و توانایی لازم برای مقابله با این نوع هجمه‌های شیطان باشد، اما خداوند قدرت مقابله با بیماری را از طریق عقل و وحی (روایات فراوان ناظر به سلامت جسمانی) و حکمت (فهم ویژه و بصیرتی که در پرتو تقوای حاصل می‌شود) به انسان بخشیده است.

۴. در باب قطعی بودن ورود اسرائیلیات به داستان حضرت ایوب عليه السلام، که برخی ابراز قطعیت نموده‌اند (معنیه، ۱۴۲۴: ۶ / ۳۸۱؛ سیدقطب، ۱۴۲۵: ۵ / ۳۰۲۱) اصل این ادعا گرچه درست است، اما با این حال، اولاً: صرف امکان ورود برخی احادیث جعلی به یک موضوع، دلیل بر جعلی بودن همه روایات مرتبط با آن موضوع نمی‌شود؛ ثانیاً: چنانچه گذشت، عمدۀ تمرکز بحث بر آیاتی از قرآن کریم است که محقق را در باب کلیت موضوع تا حدود زیادی از توصل به برخی روایات ضعیف بی‌نیاز می‌کند.

۵. افزون بر موارد فوق، به حکم عقل و تجربه بشری، انسان‌ها معمولاً توانایی بیمار کردن یکدیگر را از طرق مختلف دارند، طبعاً ابليس که از جنس جن است و توانایی‌های مختلف او به مراتب بیشتر از انسان است به طریق اولی باید قدرت بیمار ساختن انسان را داشته باشد.

جمع‌بندی

در باب امکان تأثیرگذاری شیطان بر جسم انسان، مفسران با محوریت آیه «وَإِذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصُبٍ وَعَذَابٍ» دو نقطه نظر موافق و مخالف ایراد کرده‌اند. این پژوهش به استناد دلایل قرآنی، روایی و عقلی، بر نظریه امکان تأثیر شیطان در بیماری‌های جسمانی از رهگذر توسعه مصاديق جنود ابليس صحه می‌گذارد.

در این مقال، ضمن ارائه نظریات موافقان و مخالفان، تحلیل و نقد آنها، تلاش شده تا با نگاهی جدید به مسئله و ارائه قرآنی از علوم جدید ضمن خوانش موسع نظریه علامه طباطبایی، نظریه موافقان مورد تأکید قرار گیرد.

نتیجه

۱. از آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود که شیاطین جنی و انسی به عنوان جنود ابليس - به اذن پروردگار - قادر به بیمار ساختن انسان هستند.
۲. با عنایت به گستره مفهوم لغوی شیطان در آیات و روایات، میکروب‌ها می‌توانند مستقیماً از مصاديق شیطان یا دست کم جنود ابليس به حساب آیند.
۳. نقش غیرمستقیم شیطان نیز در بیماری انسان، وسوسه کردن او به انجام اموری است که سلامت جسمانی او را به مخاطره می‌اندازد.
۴. گسترش مفهوم شیطان تا سرحد علل و عوامل طبیعی و بیولوژیکی از یک سو و کشفیات علمی جدید در حوزه‌های بیوشیمیایی وجود انسان، به ویژه بحث ناقل‌های عصبی از سوی دیگر، می‌تواند منشأ تحولات مهمی در حوزه اعتقادات، اخلاق و احکام گردد. اساساً در خلال گذر زمان و پیشرفت‌های علمی و معرفتی بشر، لازم است تعاریف برخی اصطلاحات دینی ضمن رعایت اصول علمی و پرهیز از تفسیر به رأی، بازتعریف شوند.
۵. عمل به دستورها و احکام اسلام چنانچه به درستی انجام شود، می‌تواند از بیماری‌های جسمانی انسان تا حدود زیادی جلوگیری نماید.

۶. امکان اینکه حضرت ایوب ﷺ به اذن پروردگار به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط شیطان بیمار شده باشد، وجود دارد.

۷. همان‌گونه که حضرت ایوب ﷺ به وسیله «دعا» به درگاه خدا از آن بیماری‌های عمیق و طولانی شفا یافت، دعا و تصرع می‌تواند به عنوان یکی از راه‌های درمان بیماری‌های جسمانی، روانی و اخلاقی مورد استفاده قرار گیرد، همان‌طور که در روایات نیز به این مسئله تصریح شده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ق، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چ ۲.
- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، چ ۳.
- ابن‌عشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ق، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن‌عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز*، بیروت، دار الكتب العلمیة.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، بی‌تا، *لسان العرب*، قم، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت ﷺ.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، بی‌تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ق، *نهج الفصاحة*، تهران، دنیای دانش، چ ۴.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الكبير (مفاسیح الغیب)*، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیة.
- رسعنی، عبدالرازاق بن رزق الله، ۱۴۲۹ق، *رموز الکنوز فی تفسیر الكتاب العزيز*، مکه مکرمه، مکتبة الأسدی.
- رشید رضا، محمد، ۱۴۱۴ق، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنبار*، بیروت، دار المعرفة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۴ق، سلسله جلسات پاسخ‌گویی به شباهات جدید قرآنی، پایگاه تحلیلی خبری قدس آنلاین، دوشنبه ۱۷ اسفند؛ به نشانی: <http://qudonline.ir>

- زمخشri، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غواص تنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأویل*، بیروت، دار الكتاب العربي.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، ۱۴۰۸ق، *بيان السعادة في مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- سیدقطب، ۱۴۲۵ق، *ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنشور في التفسير بالماثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳ق، *تفسیر اثنا عشری*، ایران، تهران، میقات.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ق، *الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن والسنّة*، قم، فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۰ق، *علل الشرائع*، ترجمه ذهنی تهرانی، قم، مؤمنین.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۶ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، دار الرضی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *كتاب من لا يحضره الفقيه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق، ۱۴۲۰ق، *فتح البيان في مقاصد القرآن*، بیروت، دار الكتب العلمیة.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ق، *المیزان في تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، ۲۰۰۸م، *التفسیر الكبير*، اردن، اربد، دار الكتاب الثقافي.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۰ق، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، ترجمه حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البيان في تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵ق، *مجمع البحرين*، تهران، مرتضوی، چ سوم.
- علم الهدی، علی بن الحسین، ۱۴۳۱ق، *تفسير الشریف المرتضی المسمی بـ: نفائس التأویل*، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- فراہیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *كتاب العین*، قم، دار الهجرة.
- فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ق، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ق، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قونوی، اسماعیل بن محمد، ۱۴۲۲ق، *حاشیة القونوی على تفسیر الإمام البيضاوى و معه حاشیة ابن التمجید*، بیروت، دار الكتب العلمیة.

- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر، بی‌تا، *بحار الانوار الجامعۃ لدرر أخبار الأئمۃ الأطہار*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، ۱۴۱۶ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
- مغنية، محمد جواد، ۱۴۲۴ق، *التفسیر الكاشف*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- مفید، محمد بن محمد، بی‌تا، *الإرشاد*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، چ ۲.
- مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱، *کشف الاسرار و عدة الابرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران، امیرکبیر، چ پنجم.
- میری، سید سعید، ۱۳۹۴، *عنداب‌های دنیوی الهی و انسان معاصر*، قم، معارف اسلامی.
- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۵ق، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دار القلم.